

میان معنی‌ها و کاربرد آنها، و همچنین این‌ها را در متن‌ها قرار می‌دهد تا به این ترتیب بتواند به درستی از معنی‌ها استفاده کند. این کار را می‌توان به روش‌های مختلفی انجام داد. یکی از روش‌ها این است که مترجم ابتدا معنی‌ها را در یک دایره لغوی بررسی کند و سپس در متن‌ها به کار ببرد. روش دیگر این است که مترجم در حین ترجمه، معنی‌ها را در متن‌ها بررسی کند و در صورت نیاز، به دایره لغوی مراجعه کند. روش سومی این است که مترجم در ابتدا معنی‌ها را در یک دایره لغوی بررسی کند و سپس در متن‌ها به کار ببرد. روش چهارمی این است که مترجم در حین ترجمه، معنی‌ها را در متن‌ها بررسی کند و در صورت نیاز، به دایره لغوی مراجعه کند.

مراحل ترجمه*

دکتر اسماعیل فقیه

چکیده

در این جستار، نویسنده مراحل کار ترجمه را با تقسیم‌بندی‌های اصلی و فرعی به صورت علمی و منطقی شرح می‌دهد. این مراحل از نظر نگارنده مقاله، به دو گروه عمده مراحل فنی و مراحل تنظیم دسته‌بندی می‌شود. مراحل فنی خود شامل سه مرحله است: ۱. تجزیه و تحلیل زبان‌های مبدأ و مقصد، که در این قسمت، بر درک کامل مترجم از معانی عناصر واژگانی این دو زبان و چیرگی کامل او بر همه معادل‌های معنایی حوزه کار انتخابی‌اش تأکید شده است؛ ۲. تجزیه و تحلیل متن زبان مبدأ؛ ۳. تعیین معادل‌های مناسب. مراحل تنظیم در دو بخش به تفصیل شرح داده شده است. در بخش اول با عنوان «ترجمه توسط یک فرد»، مراحل اصلی روندی که یک مترجم صلاحیت‌دار به کار می‌گیرد، ارائه شده است؛ از آن جمله است: خواندن کل مطالب، کسب اطلاعات اساسی، مقایسه

* مقاله حاضر، ترجمه‌ای است از فصل یازدهم کتاب گامی به سوی علم ترجمه، نوشته بوجین نایدا:

Nida, Eugene A. "Translation Procedures", *Toward a Science of Translating*, Leiden, Brill, 1964, pp. 241-51.

ترجمه‌های موجود از متن، تهیه پیش‌نویس از واحدهای نسبتاً جامع؛ خواندن یا صدای بلند به منظور بررسی سبک و وزن و بررسی واکنش‌های مخاطبان از طریق خواندن متن توسط فرد دیگر. در بخش دوم با عنوان «ترجمه یا تجدیدنظر توسط گروه»، درباره مسائلی چون مشکلات کار ترجمه گروهی، انواع گروه‌های ترجمه (گروه مترجمان، گروه بازخوانی و گروه مشورتی) و اصول ترجمه در کارهای گروهی بحث شده است. سرانجام در پایان مقاله، فرایندهای شانزده‌گانه کار گروهی در ترجمه متون معرفی شده است.

مراحل ترجمه را به طور کلی به دو گروه می‌توان تقسیم کرد:

۱. مراحل فنی، ۲. مراحل تنظیم. مراحل فنی، مراحلی هستند که در طی آنها مترجم متنی را از زبان مبدأ^۱ به زبان مقصد^۲ برمی‌گرداند؛ و مراحل تنظیم، تنظیم و تدوین کلی ترجمه را شامل می‌شود؛ خواه در مورد کار یک مترجم تنها، خواه - همان‌طور که در بسیاری از موارد صادق است - در مورد کار یک گروه ترجمه.

مراحل فنی

مراحل فنی، اساساً سه مرحله را شامل می‌شود: ۱. تجزیه و تحلیل زبان‌های مربوط، یعنی زبان مبدأ و زبان مقصد؛ ۲. بررسی دقیق متن زبان مبدأ؛ ۳. تعیین معادل‌های مناسب.

تجزیه و تحلیل زبان‌های مبدأ و مقصد

به طور کلی چنین پنداشته می‌شود که مترجم همانند افراد دوزبانه و احتمالاً دوفرهنگه جوامع زبانی مربوط، بر زبان‌های مبدأ و مقصد تسلط کامل دارد. متأسفانه برخورداری از چنین دانش جامعی، اغلب یک آرزو است تا واقعیت. به علاوه، حتی اگر مترجم از

صلاحیت عملی بالایی برخوردار باشد، ممکن است به برخی از انواع مشخص دانش که اهمیتی تعیین کننده دارند، اشعار نداشته باشد.

در وهله اول، مترجم باید به ساختارهای زبانی دو زبان تسلط کامل داشته باشد؛ نه تنها برحسب انواع معمول برگردان‌ها از یک زبان به زبان دیگر، بلکه و به ویژه برحسب انواع تغییراتی که در حوزه یک زبان خاص انجام می‌گیرد. این بدان معناست که او باید بداند در زبان مورد نظر، جمله‌ها چگونه «تولید می‌شوند»^۱ و این ساختارها چگونه به یکدیگر مربوط می‌شوند؛ زیرا چنین دانشی است که دخل و تصرف در ساختارها را به گونه‌ای مؤثر و به سهولت ممکن می‌سازد. مضافاً این که او باید با ساختارهای نحوی کاملاً آشنا باشد. اغلب در این محدوده خاص است که بیشترین ضعف مترجمان آشکار می‌شود. گرچه ممکن است آنها معانی واژه‌ها و عبارات مجزا را به خوبی دریابند، متأسفانه اغلب از درک اساسی معانی ساخت‌ها عاجزند.

در وهله دوم، مترجم باید درک کاملی از معانی عناصر واژگانی، درون‌مرکزی^۲ و بیرون‌مرکزی^۳ داشته باشد. در این مورد، صلاحیت نه تنها به درک مناسبت فرهنگی معاصر عبارات، بلکه به درک سابقه تاریخی و کاربرد سنتی آنها نیز اطلاق می‌شود. البته، کسی نیست که در تمامی منابع واژگانی یک زبان دانش کاملی داشته باشد؛ همچنین کسی نمی‌تواند از همه حوزه‌های فعالیت یا دانش بشری، مندرج در بیشتر متون زبان مبدأ، درک جامعی داشته باشد. از این رو، مترجمان باید در رشته‌هایی مثل بازرگانی، ادبی، حقوقی، مذهبی یا فنی، تخصص پیدا کنند. با وجود این، ضروری است مترجم در چهارچوب این حوزه‌ها، بر همه معادل‌های معنایی^۴ محدوده کار انتخابی خود تسلط کامل داشته باشد.

در وهله سوم، مترجم باید احساس و توانایی خلق سبک مناسب - خواه به صورت

1. Generate

2. Endocentric

3. Exocentric

4. Semantic

گفتاری، خواه به صورت نوشتاری - را داشته باشد. زبانی که از نوشتاری شدن آن زمان چندانی نمی‌گذرد، مشکلات قابل توجهی به وجود می‌آورد؛ و زبانی که سبک‌های آن سنتی است و این سبک‌ها باید در ترجمه رعایت شوند، مستلزم آن است که مترجم هم از جهت نظری و هم از حیث عملی، به‌طور کامل با این سبک‌ها آشنا باشد. کسی که قادر نیست به‌نحو قابل قبولی بنویسد، معمولاً نمی‌تواند ترجمه خوبی ارائه دهد.

تجزیه و تحلیل متن زبان مبدأ

تجزیه و تحلیل متن زبان مبدأ، اغلب پیچیده‌تر از آن است که تصور می‌شود. در صورت شفاهی بودن متن، تمامی عوامل واجی^۱ مثل آهنگ^۲، درنگ^۳، آهنگ‌های پایانی^۴، و همچنین برخی از مختصات مکمل مهم چون ایما و اشارات هنگام سخن گفتن، نواخت صوت^۵ و تردیدها، حضور دارند؛ با این حال، هنوز مشکل تجزیه و تحلیل متنی گذرا و فرار باقی است. در صورت کتبی بودن متن - خواه به اصطلاح «دستخط»^۶ و خواه نسخه قابل قبول شبیه آن - مترجم باید به بازسازی برخی مختصات موجود در نسخه کتبی - شامل همه عناصر واجی گفتار - اهتمام ورزد؛ و این بدان معنا است که او باید کمبودهای نظام خطی را جبران کند.

مشکل بعدی، در پیامی است که به یقین نسخه اصلی نیست و احتمالاً در برخی موارد، به عمد یا غیر عمد، تغییراتی در آن داده شده است. تغییراتی عمدی ممکن است از روی خصومت یا دلسوزی صورت گیرد. تشخیص تغییراتی که از روی دلسوزی صورت می‌گیرد، معمولاً بسیار دشوار است؛ زیرا به نظر می‌رسد که این تغییرات با اهداف متن به خوبی عجین شده باشند. اما تغییرات ناشی از خصومت، معمولاً تحریقاتی آشکار هستند.

1. Phonemic

2. Intonation

3. Juncture

4. Terminal contours

5. Tone of voice

6. Autograph

در مواردی که تجزیه و تحلیل صورت پیام زیان مبدأ، مستلزم حل و فصل مسائل مهم نقد متن باشد، اصل بار ارتباطی، عموماً مناسب‌ترین عامل در تعیین متن‌های اصلی است؛ چرا که تغییرات غیر عمد معمولاً با هدف کاهش بار ارتباطی صورت می‌گیرد. از این رو، متن‌های مشکل‌تر، به احتمال زیاد متون اصلی هستند. سایر عوامل مربوط به رسم الخط، از قبیل حذف حرف یا حروفی به قرینه در نوشتار^۱، تکرار اشتباهی^۲، با حروف مورب نوشتن^۳، و حذف پایانه‌های سجع و قافیه^۴، جزء مشکلات نقد متن‌اند که از حیطة این تجزیه و تحلیل خارج‌اند. هر فردی که با مسائل مهم مربوط به متن روبه‌رو است، یا باید بررسی جزئیات عوامل شواهد داخلی و خارجی را خود به‌عهده گیرد یا این‌که آماده پذیرش نظرهای تخصصی ویراستارهای متن باشد که بررسی دقیقی از متن زیان مبدأ انجام داده‌اند.

پس از تعیین صورت صحیح متن، معنای آن باید بررسی شود. این فرایند را می‌توان به‌طور مناسب، برحسب مراحل مختلف توصیف کرد؛ اما در عمل این امر متضمن وابستگی متقابل و مداوم بینش‌هایی است که از سطوح گوناگون تجزیه و تحلیل، حاصل می‌شود.

اساساً، مراحل مورد نظر تجزیه و تحلیل معنایی را می‌توان تحت این عنوان‌ها توصیف کرد:

۱. مختصات واژگانی- دستوری واحد بلا فصل،
۲. بافت سخن^۵،
۳. بافت ارتباطی،
۴. بافت فرهنگی زیان مبدأ،
۵. بافت فرهنگی زیان مقصد.

1. Halography
3. Italicism
5. Discourse context

2. Dittography
4. Homoeoteleuton

۱. مختصات واژگانی - دستوری واحد بلافصل در تجزیه و تحلیل معنای یک واحد ویژه (معمولاً یک جمله بلند یا یک بند کوتاه)، مترجم باید همه عناصر معنایی (نحوی، ارجاعی و عاطفی) را تعیین کند. مترجم می تواند به عنوان شیوه‌ای مفید، واحدهای زبانی مورد نظر را به ساده‌ترین صورت آنها تجزیه، و روشن‌ترین عبارات ناظر بر روابط مشترک آنها را ارائه کند؛ و با توجه به این که همه صورت‌های مختلف بیان ادبی مثل شعر، نیایش^۱، تمثیل‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لطیفه‌ها، عبارات خاص تحریری^۲، عوامل مهمی در تعیین معنا هستند، لازم است که در بررسی مختصات واژگانی - دستوری نام‌برده شده در بالا، هم قالب و هم محتوا، مد نظر قرار گیرد. درحقیقت، به عنوان یک اصل کلی، مترجم باید تشخیص دهد که به همان نسبت که صورت‌های مربوط به سبک مشکل‌تر^۳ (مقید و محدودکننده) می‌شوند، فرد می‌تواند معانی اقلام منفرد واژگانی را نادیده بگیرد؛ به این دلیل که در چنین شرایطی، گزینش نمادهای ویژه در وهله اول با توجه به نیازهای صوری سبک و در وهله بعدی با توجه به مقیاسی که در آن چنین نمادهایی دقیقاً طیف تجربه واقعی را مشخص می‌کند، تعیین می‌شود.

۲. بافت سخن معنای هر واحد ویژه، صرف نظر از اندازه آن، باید برحسب بافت بزرگ‌تر کل سخن مربوط، تجزیه و تحلیل شود؛ چه این واحد، یک بند، بخش یا فصل باشد، چه یک کتاب. به عبارت دیگر، واحد بلافصلی را که برای تجزیه و تحلیل انتخاب شده است نمی‌توان به عنوان یک عنصر جداگانه بررسی کرد. واحد مورد نظر باید به عنوان یک جزء اصلی از کل سخن در نظر گرفته شود. مضافاً این که معنای کل سخن باید هم برحسب محتوا - یعنی

1. Liturgy

2. Epistolary formulae

3. (more) demanding

موضوع پیام - و هم از نظر قالب - مثلاً شعر حماسی، روایت افسانه‌ای، نوشته تشریحی یا ادبیات مکاشفه‌ای^۱ - تجزیه و تحلیل شود. برای مثال، در کتاب مکاشفه^۲ یوحنا، تفسیر قسمت‌های ویژه به شدت متأثر از ساختار پیچیده کل کتاب است؛ زیرا بخش انتهایی هر سلسله مطالب، اغلب صرفاً برای معرفی سلسله مطالب بعدی به کار می‌رود. نتیجه آن‌که هر سلسله مطالب، در سلسله مطالب دیگر گنجانده شده است (یک شیوه ادبی مهم مکاشفه‌ای «دور و تسلسل»^۳).

۳. بافت ارتباطی

معنای یک پیام را بدون در نظر گرفتن شرایط موجود در ارتباط اصلی - از جمله عواملی مثل زمان، مکان، مؤلف، مخاطبان، منظر و واکنش‌های مضبوط - نمی‌توان به طور مناسب تجزیه و تحلیل کرد. در بررسی ارتباط مبدأ با پیام، این عوامل را تجزیه و تحلیل می‌کنند: ۱. سابقه مبدأ (دانستن حقایق درباره مؤلف، در تلاش برای رمزگشایی پیام او، از اهمیت زیادی برخوردار است)؛ ۲. نحوه ایجاد پیام (مؤلف پیام خویش را به چه طریق خاص به وجود آورده است؟ دیکته کرده یا شخصاً نوشته است؟ نوشته او ویرایش شده، یا این‌که دیکته شده و سپس مستنسخی^۴ آن را تصحیح کرده است؟)؛ ۳. زمینه واقعی پیام؛ برای مثال، تجربه شخصی، اطلاعات جمع‌آوری شده از دیگران، از منابع شفاهی یا کتبی و یا هر دو؛ ۴. شرایط زندگی نویسنده پیام که انگیزه ایجاد این ارتباط خاص است. در بررسی نقش گیرنده‌های اصلی یک پیام [یعنی خوانندگان یا شنوندگان] جهت روشنگری برخی از دقایق معنای متن، این موارد باید تجزیه و تحلیل شود: ۱. سوابق گیرنده‌های مورد نظر (به عنوان مثال، تفاوت‌های موجود بین مخاطبان انجیل متی^۵ و انجیل لوقا^۶)؛ ۲. شیوه دریافت واقعی پیام، مانند شنیدن یا خواندن، به عنوان نیایش، یک

1. Apocalyptic literature

2. Revelation

3. Wheels within wheels

4. Amanuensis

5. Gospel of Mathew

6. Gospel of Luke

نامه یا یک سند تحقیقی؛ ۳. رفتار گیرنده‌ها، که ممکن است «انگیزه»ی تولید این پیام باشد؛ ۴. شیوه واکنش اجتماعی گیرنده‌ها در برابر پیام.

با وجود این، در تجزیه و تحلیل معنای یک پیام روایتی، اغلب دو دسته منابع و گیرندگان را باید مد نظر داشت. برای مثال، در مورد کتاب‌های انجیل، مترجم باید نه تنها با بیانات [حضرت] عیسی (ع) به عنوان پیام‌هایی از یک منبع مشخص که خطاب به گیرنده‌های خاص ادا شده است - خواه مردم به معنای عام آن را مخاطب قرار داده باشد، خواه حواریون را - بلکه همچنین به عنوان مطالبی که گویندگان بعدی آنها را تهیه کرده‌اند و بدو کلیسا را یا به منظور تهذیب یا به عنوان وسیله‌ای برای موعظه خطاب قرار داده باشد، برخورد کند. از این رو معنای یک تمثیل خاص باید نه تنها برحسب آنچه احتمالاً منظور خود [حضرت] عیسی (ع) هنگام خطاب به مخاطبان ویژه‌ای بوده، بلکه برحسب آنچه نگارنده انجیل در بیان و تنظیم این تمثیل در بافت کلی تر انجیل سعی داشته است، تجزیه و تحلیل شود. بنابراین، مترجم باید نه تنها منبع و گیرنده‌های اولیه، بلکه منبع و گیرنده‌های ثانوی را نیز مد نظر داشته باشد.

۴. بافت فرهنگی زبان مبدأ

بافت جامع تر فرهنگی، برای درک معنای هر پیامی از منتهای درجه اهمیت برخوردار است؛ زیرا کلمات فقط برحسب کل محیط فرهنگی معنا دارند و سخن باید به محیط گسترده تر کردار و پندار بشری ارتباط داده شود. از این رو در تعیین تفسیر یک پیام باید برای یافتن سرخ‌های مهم جهت ارزیابی اهمیت متن، به بافت فرهنگی وسیع تر توجه کرد؛ به عنوان مثال، در تفسیر کتاب عهد عتیق^۱، درک این مشخصات حائز اهمیت است: روابط مبتنی بر میثاق^۲، نظام قبیله‌ای سامی، آداب و رسوم مربوط به انتقام و تلافی، رفتار

توأم با جذبۀ پیامبران، تعدد زوجات بین عوام و خاندان سلطنتی، نسب نیایی^۱ و مردسالاری. همچنین لازم است که دیدگاه عبری در مورد شخصیت انسان درک شود؛ به عنوان مثال: تنوع معانی واژه «mephesh»، معنایی چون «نفس»، «تنفس»، «حیات»، «نفس»، «روح»، «ذهن»، «ذی روح»، «مخلوق»، «شخص» و «ذات» و معانی واژه «leb»: «قلب»، «حیات»، «جایگاه عواطف»، «طریقه تفکر و عمل»، «جایگاه اهداف» (خواستۀ و قصد)، «درک»، «خرد»، «عقل»، «وسط» و «اوسط». در مورد انجیل عهد جدید، دانستن نکاتی درباره «سلسله مراتب شخصیت» از دیدگاه یونانیان، کاربردهای عباراتی مثل «حکومت‌ها، اختیارات، اولیای امور، عرش‌ها»، از سوی نوافلاطونیان، مذاهب سری و تکامل تشکیلاتی کلیساهای اولیه، ضروری است.

۵. بافت فرهنگی زبان گیرنده

در بررسی معنای متن زبان مبدأ ممکن است بافت فرهنگی زبان گیرنده عمدتاً نامربوط به نظر برسد. اما در مورد پیام‌هایی که قبلاً در فرهنگ زبان گیرنده مطرح شده است، چنین نیست. برای مثال، به استثنای کارهای کاملاً راهگشا، هیچ مترجم انجیل نمی‌تواند در برابر طرز استفاده برخی اصطلاحات کتاب مقدس که قبلاً در زبان گیرنده به کار رفته‌اند، کاملاً بی‌اعتنا باشد. در پاره‌ای موارد، معادل‌ها ممکن است آن‌چنان رضایت‌بخش نباشند؛ اما کاربرد گسترده آنها، بودنشان را در یک ترجمه ایجاب می‌کند، حتی در ترجمه‌ای که با هدف رعایت بیشترین حد وفاداری در صورت، محتوا و روح پیام اصلی، انجام شده باشد.

تعیین معادل

فرایندی که در طی آن، مترجم معادل‌های بین زبان‌های مبدأ و مقصد را تعیین می‌کند،

بی تردید بسیار پیچیده است؛ با وجود این می توان آن را به دو مرحله کاملاً ساده تقسیم کرد: ۱. تجزیه پیام به ساده ترین ساختار معنایی، با روشن ترین بیان روابط موجود؛ ۲. انشای دوباره پیام در زبان مقصد، به نحوی که معادل هایی به کار گرفته شوند که (الف) با یک ترجمه معادل صوری، ترجمه معادل پویا یا یک ترجمه بینابینی مطابقت کنند و (ب) مناسب ترین بار ارتباطی برای گیرنده های مورد نظر را فراهم آورند.

مراحل تنظیم

مراحل فنی در مورد تمامی انواع ترجمه مصداق دارند؛ اما مسائل متفاوت دیگری نیز وجود دارند که از روش های مختلف تنظیم روند ترجمه ناشی می شوند. طبعاً ترجمه را به روش های مختلف می توان تنظیم کرد. به علاوه، تجدیدنظرها، از چند جهت، به مراتب مشکل تر از ترجمه اصلی است و از این رو معمولاً به دلیل حضور صاحبان منافع، اغلب شامل فرایندهای بسیار پیچیده ای هستند.

از سوی دیگر، امکان اغراق در مورد تفاوت های بین ترجمه و تجدیدنظر وجود دارد. از این رو در مراحل تنظیم که رئوس آن در زیر آمده، هیچ کوششی برای ایجاد تمایز بین این دو فرایند صورت نگرفته است. در ضمن، برخی از تفاوت های مهم بین «ترجمه توسط یک فرد» واحد و یک جمع ممکن است به این نتیجه منتهی شود که تجدیدنظرها بیشتر توسط جمع انجام می گیرد (معمولاً به این دلیل که در جمع دامنه کار وسیع تر و منافع متعددتر است. در چنین شرایطی، اشخاص بیشتری وجود دارند که باید با آنها مشاوره کرد یا خود تصور می کنند که باید با آنها مشاوره کرد).

ترجمه توسط یک فرد

تشریح حدود گسترده شرایطی که تحت آن شرایط مترجمان متفرد کار می کنند و یا ارائه تعریف مناسبی از همه انواع فرایندهایی که برای اقسام مختلف ترجمه به کار

- می‌بندند، بی‌تردید غیرممکن است. با وجود این، برخی از مراحل اصلی روندی را که یک مترجم صلاحیت‌دار به کار می‌گیرد می‌توان به ترتیب زیر ارائه کرد:
۱. خواندن کل مطلب. قبل از این‌که ترجمه در عمل آغاز یا حتی بررسی مقدماتی زمینه متن انجام شود، دریافت کل «پیام» ضروری است.
 ۲. کسب اطلاعات پایه‌ای. مهم است که مترجم همه اطلاعات موجود درباره متن مورد نظر - شامل شرایط نگارش آن، انتشار و توزیع، رابطه متن مورد نظر با متون مشابه دیگر (خواه از همان نویسنده باشد، خواه نباشد)، و هر نوع بررسی مشروح محققان صلاحیت‌دار از متن - را کسب کند. در مورد ترجمه انجیل، بررسی مشروح محققان صلاحیت‌دار، به معنای آشنایی کامل با آرای مفسران برجسته متن این کتاب مقدس است.
 ۳. مقایسه ترجمه‌های موجود از متن. یک مترجم نباید از کار دیگران تقلید محض کند؛ بلکه با بررسی آنچه دیگران انجام داده‌اند، امکان موفقیت بیشتری در استفاده از تجارب دیگران و نیز احتراز از اشتباهاتی که ممکن است آنها مرتکب شده باشند، برایش فراهم می‌شود.
 ۴. تهیه پیش‌نویس از واحدهای نسبتاً جامع. هیچ ترجمه‌ای نباید کلمه به کلمه یا حتی عبارت به عبارت انجام گیرد؛ بلکه جمله‌های بلندتر یا بندهای کوتاه‌تر را باید به منزله کوچک‌ترین واحد زبانی در نظر گرفت. در نوشتن یا دیکته کردن چنین واحدهایی، مترجم نباید درباره غنا و آزادی بیان تردیدی به خود راه دهد. به علاوه، پیش‌نویس باید به جای یک معادل صرف و ساده، با هدف غنای بیان تهیه شود.
 ۵. تجدیدنظر در پیش‌نویس پس از یک وقفه کوتاه زمانی. حائز اهمیت است که پیش‌نویس حداقل یک روز یا بیشتر کنار گذاشته شود، تا مترجم بتواند بعد از به اصطلاح «باد خوردن» کار، با عینیت و بی‌طرفی بیشتری به کار خویش ادامه دهد. طی روند تجدیدنظر، مترجم می‌تواند: الف) واژه‌های غیرضروری را حذف کند، ب) اجزای مؤلفه را دوباره مرتب کند، ج) اشتباهات مربوط به معنا و سبک را تصحیح کند، د) توجه

- خاصی به ارتباط بین واحدهای اساسی مبذول دارد.
۶. خواندن با صدای بلند، با هدف بررسی سبک و وزن. به لحاظ اولویت صورت‌های گفتاری زبان بر صورت‌های نوشتاری آن، ضروری است که صورت ترجمه با صدای بلند خوانده شود تا سبک و وزن^۱ آن بررسی شود.
۷. بررسی واکنش‌های مخاطبان با خواتدن متن توسط فرد دیگر. واکنش‌های مخاطبان به هنگام شنیدن یک متن، شاخص مهمی از اعتبار تأثیر کلی یک ترجمه را تشکیل می‌دهد. مترجم شخصاً می‌تواند به نکاتی که خواننده در آنها گیر دارد (که اغلب نشانگر سبک نامناسب یا بار ارتباطی ثقیل ناشی از گزینش نادرست کلمات است) و نیز اظهارات شنوندگان، مبنی بر درک یا عدم درک مطلب، توجه کند. به علاوه، مترجم می‌تواند درباره مطالبی که احتمالاً واضح نبوده است و مواردی که شاید به سوء تفاهم منجر می‌شد، نظر شنوندگان را جویا شود. این مهم را می‌توان با طرح سؤال‌های مستقیم درباره محتوای متن و یا با پرس و جو از برخی افراد در مورد کم و کیف مطالب شنیده شده انجام داد.
۸. ارائه ترجمه به مترجمان صلاحیت‌دار دیگر جهت بررسی دقیق. این افراد ممکن است در زبان مقصد سبک‌شناس^۲ و یا در معنای متن زبان مبدأ خبره باشند.
۹. تجدیدنظر در متن جهت انتشار. مرحله آخر در روند ترجمه، نه تنها مستلزم توجه به اظهار نظرهای دیگران است، بلکه به منظور جلوگیری از تغییرات زیاد در غلط‌گیری حروف چین، باید متضمن توجه دقیقی به جزئیات املائی باشد.
- در بسیاری از موارد، در این مراحل باید برخی تغییرات آشکار صورت گیرد. برای مثال، بسیاری از مترجمان حرفه‌ای نیازی به به‌کارگیری مراحل ۷ و ۸ ندارند. برای مترجمان دیگر ضروری است موارد متعدد بررسی‌های کاربرد به کمک گویشوران^۳

1. Rhythm

2. Stylist

3. Informants

متعدد را بر این مراحل بیفزایند. در برخی موارد ترجمه به روش رهگشایی، هیچ ترجمه‌ای برای مقایسه وجود ندارد؛ از این رو نیازی به طی مرحله ۳ نیست. به علاوه، هرگاه مترجم صلاحیت‌دار دیگری - به ویژه در مورد سبک زبان مقصد - در دسترس نباشد، رعایت مرحله ۸ فقط در برخی جنبه‌های محدود امکان‌پذیر است. با وجود این، رعایت این ۹ مرحله تا آنجا که بتوان آنها را در موارد خاص به کار گرفت، کاملاً قابل توجیه است و به شدت به مترجمان توصیه می‌شود.

ترجمه یا تجدیدنظر توسط یک گروه

ترجمه اسناد مهم که اثرات قابل توجهی بر سنت‌ها و کردارهای توده‌های زیادی از مردم دارد، در بیشتر مواقع به گروه‌ها واگذار می‌شود؛ زیرا تعدد نفرات نه تنها امکان اشتباه را کاهش می‌دهد، بلکه موجب می‌شود توازن بیشتری نیز در تصمیم‌گیری برقرار شود؛ هرچند که در فعالیت‌های مشترک، اغلب خلاقیت کمتری وجود دارد. در چنین کارهای گروهی، تعدادی از اعضا ممکن است برخی از مراحل فرایند توصیه‌شده برای مترجمان انفرادی را به کار بندند. با وجود این، در مورد کار گروهی، برخی مشکلات مربوط به تقسیم کار و فرایندها وجود دارد که باید به آنها اشاره شود.

انواع گروه‌های ترجمه

در ترجمه یا تجدیدنظرهای گروهی، معمولاً سه گروه یا حداقل سه نوع کارکرد وجود دارد، که به صورت‌های گوناگون تقسیم می‌شوند. این گروه‌ها را می‌توان برای سهولت چنین نامگذاری کرد: ۱. گروه مترجمان، ۲. گروه بازخوانی، ۳. گروه مشورتی. تهیه پیش‌نویس اصلی بر عهده گروه مترجمان است. گروه بازخوانی، از افرادی تشکیل می‌شود که نظرهای تخصصی قابل توجهی را ارائه می‌دهند و پیشنهادهايشان به نحو محسوسی بر ترجمه اثر می‌گذارد. افرادی که گروه مشورتی را تشکیل می‌دهند، باید

نوعی مهر تأیید بر کار بزنند. به عبارت دیگر، آنها آنچه را که انجام گرفته است، تأیید می‌کنند، اما خود، چندان در عمل ترجمه شرکت نمی‌کنند.

در بسیاری از برنامه‌های ترجمه، در عمل فقط دو گروه مشخص وجود دارد: یک گروه، مسئول اجرای کار است؛ و دیگری، بر کار مهر تأیید می‌زند. به علاوه، در به اصطلاح «گروه کار»، معمولاً هسته کوچکی از افراد وجود دارد که در واقع بخش اعظم کار را انجام می‌دهند؛ بقیه، بیشتر، آنان را راهنمایی و روی کار انجام شده تجدید نظر می‌کنند تا در کاری که انجامش را به عهده گرفته‌اند، شرکت قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. هر چند که گرایش عمده رسماً به شناخت سه سطح کار است؛ چه با تعیین سه گروه مختلف، چه با تعیین دو گروه (یک گروه مترجمان و یک گروه مشورتی) و تعیین برخی افراد به عنوان «مشاوران ویژه» برای کار با گروه مترجمان.

۱. گروه مترجمان: گروه مترجمان حتی الامکان باید کوچک باشد (بین ۳ تا ۵ نفر) تا بتوان کار کرد. به یقین افزایش مطلق اعضا، تضمینی برای انجام گرفتن سریع تر کار نیست؛ زیرا در بیشتر مواقع، مدت زمان لازم برای اجرای چنین امری، با تعداد افرادی که کار می‌کنند، تناسب هندسی دارد. برخورداری اعضای گروه مترجمان از شایستگی نسبتاً برابر، حائز اهمیت فوق‌العاده‌ای است؛ چه، تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها و احترام متقابل، از اجزای اساسی کار اشتراکی است. در عین حال، اگر اعضای این گروه از توانایی‌های مکمل برخوردار باشند، مفید خواهد بود؛ چرا که در این صورت، به جای آنکه با هم رقابت کنند، یکدیگر را تکمیل می‌کنند. در این مورد می‌توان گفت که تقریباً مهم‌ترین عامل، توانایی کار با دیگران است.

۲. گروه بازخوانی: افراد گروه بازخوانی باید تقریباً به ۱۰ نفر محدود باشد. هر یک از این ده نفر، براساس توانایی‌های خاص خود انتخاب می‌شوند. این افراد باید یا صلاحیت سبک‌شناسی در زبان مقصد و یا دانش تخصصی در زبان مبدأ را داشته باشند. میزان مشارکت این افراد در بحث‌های گروه مترجمان، به‌طور عمده به تناسب پیشنهادها

و توانایی ایشان به کار گروهی بستگی دارد. با وجود این، به طور کلی، از پیشنهادهای گروه بازخوانی می توان خیلی سریع از طریق مکاتبه، استفاده کرد.

۳. گروه مشورتی: گروه مشورتی بسته به نیازهای عملی موقعیت های مختلف ممکن است از ۲۵ تا ۱۰۰ عضو داشته باشد. آنها باید همکاری خود را از طریق مکاتبه انجام دهند، مگر در مواردی که برخی مسائل بنیادی، حضور عده کثیری از نمایندگان را برخلاف معمول لازم می سازد. اعضای گروه مشورتی به دلایل گوناگون سیاسی، جغرافیایی، گویشی و غیره برگزیده می شوند. این اعضا گرچه ممکن است وقت زیادی برای پرداختن به موضوع مهم مورد نظر نداشته باشند، ارتباط آنها با چنین پروژه ای، برای کسب تأیید و پذیرش نهایی هیئتی که ترجمه یا تجدیدنظر برای ایشان آماده می شود، مهم است.

شرح روشن و دقیق اصول ترجمه

در همه کارهای گروهی، ضروری است اصولی که باید در عمل به کار گرفته شود، به طور کامل و دقیق تدوین شود. البته، بسیاری از اصول الزاماً باید کاربرد وسیعی داشته باشند؛ اصولی مانند: اجتناب از صورت های دستوری منسوخ، حذف صنایع ادبی بی معنا، رعایت فواصل ایات شعری و استفاده از املاهای معاصر اسامی خاص. در عین حال لازم است که این اصول تا حد ممکن صریح و جامع و در ضمن عملی باشند؛ چرا که این اصول نقش بسیار مهمی را در هر نوع کار گروهی ایفا می کنند.

از جمله این نقش ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

چنین اصولی، بنیادی برای یک دست شدن کار اعضای مختلف گروه مترجمان به دست می دهند؛ به حدود و نوع پیشنهادهای اعضای گروه مشورتی و بازخوانی جهت می دهند؛ باعث پرهیز از بحث های غیر ضروری می شوند، چرا که با وجود این اصول می توان به جای آن که با مسائل به عنوان مشکلات جدید و منحصر به فرد روبرو شد، آنها

را بر مبنای اصول پذیرفته شده حل و فصل کرد. این اصول همچنین از برخوردهای شخصی جلوگیری می‌کنند؛ زیرا با وجود آنها، اعضای گروه‌ها می‌توانند به جای مخالفت با یکدیگر، با این اصول موافقت یا مخالفت کنند. به علاوه، هرگاه اصول مورد بحث ضمن برنامه‌ای تغییر یابد، اعضای گروه دقیقاً خواهند دانست که در چه قسمت‌هایی از کار باید تجدید نظر شود، تا با اصول تغییر یا تعمیم یافته، هماهنگ شود.

بهترین راه برای تهیه اصولی که ناظر بر امر ترجمه یا تجدید نظر گروهی باشد را می‌توان در پنج مرحله ارائه داد: ۱. از طریق مشورت دقیق با افراد ذی‌نفعی که ترجمه برای آنها مهیا می‌شود (یعنی از همه کسانی که مایل به پاسخگویی هستند، دعوت کرد تا پیشنهاد های خود را ارائه دهند)؛ ۲. با بررسی دقیق این پیشنهادها، زیر نظر متخصصان؛ ۳. با تنظیم آزمایشی ضروری‌ترین اصول و اعمال آنها در یک رشته از متن‌های نمونه؛ ۴. از طریق تغییر و تکمیل دقیق این اصول، با در نظر گرفتن نتایج اعمال آنها در متن‌های نمونه؛ ۵. با تجدید نظر دقیق اصول مورد بحث در طول روند ترجمه.

در هرگونه توصیفی از اصول و مراحل ترجمه، تعیین مسئولیت نهایی برای کار، عامل مهمی است. به طور کلی، معمولاً روال بر این است که مسئولیت نهایی با هیئت مشورتی باشد که از قرار معلوم، بیشترین «قدرت سیاسی» را دارد؛ حال آنکه مسئولیت واقعی، جز در مواردی اندک، به عهده گروه مترجمان است. در بسیاری از موارد به نظر می‌رسد برای هماهنگی حد و مرز واقعی و آرمانی اختیارات با یکدیگر، دلایل کافی وجود داشته باشد؛ و از این رو منطقی است که مسئولیت نهایی به گروه مترجمان واگذار شود، البته مشروط بر این که اعضای این گروه به دقت انتخاب شده، صلاحیت بررسی و نیز گوش شنوا برای انتقادهای و پیشنهاد های دیگران داشته باشند. چنین فرایندی، نتایج به مراتب سریع‌تری خواهد داشت و این نتایج معمولاً از یکدستی و مقبولیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

فرایندهای کار گروهی

فرایندهای ترجمه که به‌ویژه در کار گروهی قابل اجرا و بر پایه ترتیب سه گروه (مترجمان، بازخوانی، مشورتی) استوار است، در زیر تشریح شده است. در مورد پروژه‌ای به وسعت ترجمه کل کتاب انجیل، این مراحل در فرایند ترجمه به‌طور کامل و یکی پس از دیگری انجام نمی‌شود؛ بلکه این فرایندها با بخشی محدود شروع می‌شود، و هنگامی که این جزء در مراحل متعدد بازخوانی و تجدیدنظر است، بخش دیگری آغاز می‌شود. از این رو یک بخش مسیر خود را پس از بخش دیگر آغاز می‌کند، و بالأخره کل کار به صورت «امواج پیاپی» به‌تمام می‌رسد. و اما آن مراحل:

۱. تقسیم کار بین اعضای گروه مترجمان. قسمت‌های مختلف هر کار بزرگ ترجمه، معمولاً براساس علایق و توانایی‌های فردی اعضا تقسیم می‌شود.

۲. ترجمه بخش‌های ارجاعی از اعضای گروه مترجمان. برای انجام دادن این کار، مترجم ممکن است شماری از مراحل فرایندی را که برای مترجمان منفرد پیشنهاد شد، به‌کار بیند.

۳. ارائه کار به دیگر اعضای گروه مترجمان. هر یک از اعضا پس از پایان یافتن کار خود، آن را در اختیار اعضای دیگر گروه می‌گذارد، تا خوانده و تصحیح شود؛ همچنین اگر سؤالی داشتند، مطرح کنند.

۴. بررسی این پیشنهادها از سوی مترجم. اگر اولین مترجم، با پیشنهادهای مطرح شده دیگر اعضای گروه مترجمان موافق باشد، فقط آنها را در پیش نویس اصلی خود ملحوظ می‌دارد. درباره همه نکات دیگر، گروه مترجمان به‌طور گروهی بحث می‌کنند.

۵. ارائه پیش‌نویس حاصل به گروه بازخوانی. اعضای گروه بازخوانی موظف‌اند ترجمه را با دقت بررسی کنند و هر تغییری را که ضروری یا مفید می‌دانند، مطرح کنند. هرگاه پیشنهادها با اصول توافق شده سازگار نباشد، هر یک از افراد گروه که پیشنهاد داده است، باید تلاش کند توضیح دهد که چرا در این مورد باید به

استثنایی در اصول اصلی قائل شد. به طور کلی همکاری‌های اعضای گروه بازخوانی، با مکاتبه انجام می‌شود؛ اما گهگاه نظرهای برخی از اعضای این گروه، ارزش شایانی برای بحث‌های گروه مترجمان دارد و این امر، مشارکت حضوری آنها را در برخی نشست‌ها ایجاب می‌کند.

۶. بررسی همه تغییرها و پیشنهادهای ارائه‌شده از سوی گروه بازخوانی. مترجم اصلی یا یک «منشی ویراستاری»^۱ باید تمامی اظهارنظرها را بررسی و همه پیشنهادهای وارده از جانب اعضای گروه بازخوانی را طبقه‌بندی کند. کلیه پیشنهادهای مربوط به اشتباهات آشکار (مربوط به رسم الخط یا سبک شناختی) ممکن است خودبه‌خود پذیرفته شوند؛ بقیه را می‌توان برحسب نوع مسئله مطرح‌شده، ملحوظ کرد.

۷. آماده‌سازی پیش‌نویس تجدیدنظرشده از سوی منشی گروه مترجمان. در صورتی که قرار نباشد اعضای گروه مترجمان در تهیه پیش‌نویس اولیه و نهایی روی جزئیات بسیار وقت‌گیر کار کنند، ضروری است که این کمیته از مساعدت‌های ویراستاری صلاحیت‌دار برخوردار باشد. چنین فردی می‌تواند مسئولیت اصلی بررسی یکسانی املائی اسامی خاص، ارجاع به منابع دیگر^۲، عبارات و قطعات قرینه و جزئیات مربوط به رسم الخط را به عهده گیرد.

۸. ارائه پیش‌نویس تجدیدنظرشده به اعضای گروه مشورتی. اعضای کمیته مشورتی موظف‌اند هنگامی که ترجمه به دستشان می‌رسد، جهت ارزیابی کلی، آن را مرور کنند و به‌هنگام لزوم، پیشنهادهایی برای تغییرات بیشتر ارائه دهند. به هر حال، همه کارهای اعضای این گروه از طریق مکاتبه انجام می‌گیرد، مگر این‌که کار برخی از اعضا آن‌قدر مفید باشد که مشارکت آنان را در برخی نشست‌های گروه مترجمان ایجاب کند.

۹. بررسی تمامی پیشنهادهای ارائه‌شده از سوی گروه مشورتی. تغییرات پیشنهادشده گروه مشورتی باید به همان طریقی که پیشنهادهای گروه بازخوانی بررسی شده است،

بررسی شود. میزان پذیرش این پیشنهادها به طور عمده به میزان اختیارات نهایی گروه بستگی دارد. در هر صورت، چنین گروه بزرگی به ندرت در مورد هر مسئله بحث انگیزی به توافق کامل دست می‌یابد. از این رو، معمولاً قدرت تصمیم‌گیری نهایی، به گروه مترجمان واگذار می‌شود.

۱۰. آماده‌سازی نسخه نهایی. مسئولیت آماده‌کردن نسخه نهایی برای حروف‌چین باید وظیفه اصلی یک منشی ویراستاری باشد که این فرد در عین حال ممکن است عضوی از گروه مترجمان نیز باشد. نسخه نهایی مورد نظر باید برای کسب اطمینان از کمال، یکدستی و درستی کار، به دقت بررسی شود.

۱۱. انتشار نسخه‌های آزمایشی از بخش‌هایی محدود. بررسی هر نوع ترجمه یا متن تجدیدنظرشده مهم از طریق انتشار نسخه‌های آزمایشی، به شدت توصیه می‌شود؛ با وجود این، در برخی موارد، وجود عوامل خاصی ایجاب می‌کند که قبل از ارائه بخش‌های مختلف ترجمه به افراد، کار ترجمه به طور کامل تکمیل شود.

۱۲. بررسی واکنش‌های عمومی در برابر بخش‌های محدود. واکنش عمومی را نه تنها باید آشکارا جویا شد، بلکه باید از طریق مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها به دقت بررسی کرد.

۱۳. پرداخت نسخه نهایی.

۱۴. انتشار ترجمه کامل.

۱۵. ملحوظ‌داشتن اصلاحات در چاپ‌های بعدی. ضروری است بین ۶ ماه تا یک سال هر نوع اصلاح ضروری در چاپ‌های بعدی، اعمال شود. به طور کلی، بهتر است تمامی اصلاحاتی که خوانندگان تذکر داده‌اند، جمع‌آوری شود و سپس گروه مترجمان آنها را بررسی کنند تا همه تغییرات در یک مقطع زمانی اعمال شوند.

۱۶. تجدیدنظر در متن پس از انتشار. تعمق در اجرای برخی اصلاحات مهم در یک ترجمه، به مدت حداقل ۵ سال و حداکثر ۱۰ سال، حائز اهمیت است. چنین تغییراتی، علاوه بر تصحیح صرف اشتباهات آشکار و ناهماهنگی‌های ترجمه، موارد دیگری مثل

تجدید نظر در ترجمه با ملحوظ داشتن تغییرات مطلوب پیشنهادی از سوی صاحب نظران یا خوانندگان را نیز دربر می گیرد.

این روشی که در این مقاله به آن اشاره شده است، در واقع یک روش نوین است که در این زمینه به کار رفته است. این روش به گونه ای طراحی شده است که بتواند به راحتی با تغییرات مورد نیاز سازگار شود. در این روش، ابتدا تغییرات مورد نیاز شناسایی می شود و سپس بر اساس این تغییرات، متن اصلی را ویرایش می کنند. این روش به گونه ای طراحی شده است که بتواند به راحتی با تغییرات مورد نیاز سازگار شود. در این روش، ابتدا تغییرات مورد نیاز شناسایی می شود و سپس بر اساس این تغییرات، متن اصلی را ویرایش می کنند.



در این روش، ابتدا تغییرات مورد نیاز شناسایی می شود و سپس بر اساس این تغییرات، متن اصلی را ویرایش می کنند. این روش به گونه ای طراحی شده است که بتواند به راحتی با تغییرات مورد نیاز سازگار شود. در این روش، ابتدا تغییرات مورد نیاز شناسایی می شود و سپس بر اساس این تغییرات، متن اصلی را ویرایش می کنند.

پرتال جامع علوم انسانی در این زمینه اقدامات مهمی انجام داده است. این پرتال به گونه ای طراحی شده است که بتواند به راحتی با تغییرات مورد نیاز سازگار شود. در این پرتال، ابتدا تغییرات مورد نیاز شناسایی می شود و سپس بر اساس این تغییرات، متن اصلی را ویرایش می کنند. این پرتال به گونه ای طراحی شده است که بتواند به راحتی با تغییرات مورد نیاز سازگار شود. در این پرتال، ابتدا تغییرات مورد نیاز شناسایی می شود و سپس بر اساس این تغییرات، متن اصلی را ویرایش می کنند.